



فعال شدن ماشه چه اثری روی بورس دارد؟

پشت پرده ریزش‌های

پی‌درپی بازار سهام

صفحه ۵



محمدعلی وکیلی

سرمقاله

بازگشت به نقطه صفر؟

با فعالسازی مکانیسم ماشه از سوی تروئیکای اروپایی، فضای دیپلماسی میان ایران و جامعه جهانی وارد مرحله‌ای تازه و پرمخاطره شده است. این اقدام، که منجر به بازگشت تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه ایران می‌شود، نه تنها پایان رسمی برجام را رقم می‌زند، بلکه تهران را در برابر تصمیماتی راهبردی قرار می‌دهد. اکنون پرسش اصلی این است: ایران پس از فعالسازی ماشه چه خواهد کرد؟ اینکه اروپا و آمریکا برغم فعال سازی ماشه همچنان ازمذاکره می‌گویند و فرصت یک‌ماهه را درچپه بازگشت می‌کنند، نشان می‌دهد که اولاً به عنوان ابزار فشار برای تسلیم ایران در میدان مذاکره هستند و ثانیاً اذعان به پیامدهای خطرناک پایان مذاکره نیز می‌باشد. واقعیت این است که هرچه جلوتر می‌رویم، زمین بازی ایران پرمشکل و پیچیده‌تر می‌شود. اگر تا دیروز شرط آقای عراقچی برای مذاکره با آمریکا تضمین این کشور مبنی بر عدم حمله در میانه مذاکره بود! اکنون باید هر روز شرط دیگری بنام تعلیق ماشه را نیز اضافه کرد!

در مقالات پیشین نوشتم؛ مامجبور به تغییر زمین بازی هستیم. زمین بازی کنونی فاقد کارت تعیین کننده است. هیچ‌کس هم نمی‌پرسد که چطور می‌توان زمین بازی را تغییر داد و خود را از این «چاله به آن چاله» نجات داد. متأسفانه باهمان روش‌هایی که بنا بود ناترازی‌های داخلی را پایان دهیم، تلاش کردیم بحران سیاست خارجی را فیصله دهیم.!

پیشاپیش عرض کنم که بدترین کار ممکن، تمرکز گروه‌ها و نخبران به‌جای راهکاربای دوقطبی سازی و مقصریابی داخلی است.

گروهی تابلوی مکانیسم ماشه را بر دست می‌گیرند و به دنبال تسویه حساب با جناب ظریف هستند .

ادامه در صفحه ۶



پیام فعال سازی «اسنپ بک» برای ایران چیست؟

قمار اروپا علیه دیپلماسی

«بران در حالی هدف بمباران قرار گرفت که بر سر میز مذاکره بود و به گفته برخی، توافق تقریباً در دسترس بود. اعتماد مسیری دوسویه است و اکنون مسئولیت اروپا آن است که نقش میانجی قابل‌اعتماد و نه نیرویی تشدیدکننده در مثلث تنش میان آمریکا، رژیم صهیونیستی و ایران را ایفا کند.»

به گزارش ایرنا، «اندیشکده کوئینسی» در مقاله‌ای با عنوان «قمار اروپایی‌ها بر سر فعال‌سازی مکانیسم ماشه، خطر نابودی دیپلماسی با ایران را در پی دارد» به قلم سینا طوسی نوشت: به نظر می‌رسد اروپا آماده است از مرحله تهدید به مرحله اقدام برسد. بر اساس گزارش‌ها، سه کشور اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان احتمالاً این هفته روند فعال‌سازی مکانیسم اسنپ‌بک سازمان ملل را آغاز خواهند کرد. این سازوکار که ذیل توافق هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۵ (برجام) ایجاد شد، به هر یک از طرف‌های مشار‌کت‌کننده اجازه می‌دهد در صورت تشخیص نقض تعهدات از سوی ایران، تحریم‌های پیش از سال ۲۰۱۵ سازمان ملل را بازگردانند. این مکانیسم دارای نکته‌ای کلیدی است که آن را به ابزاری قدرتمند بدل می‌کند. به‌طور معمول، شورای امنیت بر مبنای این اصل عمل می‌کند که اعمال تحریم نیازمند اجماع مثبت اعضاست. اما در مکانیسم اسنپ‌بک منطق معکوس می‌شود. به محض فعال شدن، شمارش معکوس ۳۰ روزه آغاز خواهد شد. در پایان این مدت، تحریم‌ها به صورت خودکار بازمی‌گردند مگر آنکه شورای امنیت رأی دهد که تعلیق آن‌ها ادامه یابد؛ به این معنا که هر عضو دائم شورا می‌تواند تنها با یک وتو، بازگشت تحریم‌ها را تضمین کند. برای اروپا، نزدیک شدن به تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵، زمانی که تحریم‌های سازمان ملل قرار است برای همیشه منقضی شوند، نوعی فوریت ایجاد کرده است. دولت‌های اروپایی امیدوارند با اقدام در این مقطع، اهرم فشار بیشتری بر تهران به دست آورند و آن را وادار به همکاری مجدد کنند. اما در این مسیر، اروپا خطر آن را می‌پذیرد که فضای دیپلماسی در لحظه‌ای که بیش از هر زمان دیگری ضروری است، تنگ‌تر یا حتی به طور کامل بسته شود. این اقدام در بستری به شدت بحرانی رخ می‌دهد. برجام پیش از جنگ تابستان امسال نیز بسیار شکننده بود. روند فروپاشی در سال ۲۰۱۸ آغاز شد، زمانی که دولت ترامپ به صورت یکجانبه از توافق خارج شد، با وجود آنکه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بارها تأیید کرده بود ایران به تعهدات خود پایبند است.

شرح در صفحه ۱۱



همزمان با مناقشه با بانک مر کزی، پرونده بابک زنجانی بررسی شد

قلعه بابک، تاریکخانه اقتصاد غیر شفاف

نبود شفافیت و برخورد‌های باندی چگونه می‌تواند یک پرونده ساده بدهی نفتی را به بحران چندلایه ملی بدل کند.

بازگشت به نقطه صفر یا تسویه نهایی؟

پرونده زنجانی اکنون دیگر صرفاً یک مسأله اقتصادی نیست. برای بخشی از افکار عمومی، او نمادی ازنابسامانی اقتصادی ساختاری و ضعف نظارت بر منابع ملی است. برای عده‌ای دیگر، او «قربانی شرایط تحریم» و «عامل نجات‌دهنده اقتصاد در روزهای سخت» معرفی می‌شود. همین دوگانگی نگه، باعث شده پرونده او به بستری برای کشمکش‌های سیاسی و رسانه‌ای بدل شود. در واقع، این پرونده تصویری از شبکه‌ای پیچیده از حمایت‌ها و مخالفت‌های باندی است که در آن مرز میان «فساد»، «حمایت سیاسی» و «منافع ملی» به‌سختی قابل تشخیص است.

با گذشت بیش از یک دهه از آغاز این پرونده، هنوز آینده آن روشن نیست. بانک مرکزی و شرکت نفت همچنان بر وصول طلب خود یاقشاری می‌کنند. قوه قضائیه زیر فشار افکار عمومی برای تعیین تکلیف حکم پررشن اصلی این است: آیا نهایتاً او بدهی خود را تسویه خواهد کرد و از طناب دار نجات می‌یابد یا سرانجام حکم اجرا خواهد شد؟ و مهم‌تر از آن، آیا ساختارهایی که چنین پدیده‌هایی را خلق می‌کنند اصلاح خواهند شد یا چرخه نابسامانی و رانت، باز هم تکرار خواهد شد؟

پرونده بابک زنجانی آینده‌ای است تمام‌نما از پیچیدگی اقتصاد سیاسی ایران در عصر تحریم. او در یک مقطع تاریخی نقش قهرمان غیررسمی را ایفا کرد، سپس به نماد فساد بدل شد و اکنون در جایگاه یک ابردهکار بانکی و متهم جنجالی ایستاده است. آنچه این پرونده را متمایز می‌کند، نه فقط حجم بدهی یا گستره فعالیت‌های او، بلکه تلافی روایت‌های متناقض، ابهام‌های حقوقی و تلاش برای بستن پرونده در شرایطی که برای حکمرانی اقتصادی و مدیریت منابع ملی در ایران خواهد داشت؛ درسی که تنها در صورت اصلاح ساختارهای فسادزا و پایان دادن به فعالیت‌های سیاسی-اقتصادی معنا پیدا می‌کند.

تازه، چهره خود را تغییر دهد. او گاهی مدعی می‌شود که بیش از میزان بدهی‌اش، اموال از سوی شرکت ملی نفت توقیف شده و بنابراین عملاً طلبکار است. در مقاطعی نیز از رزمنازی به نام «USDZ» سخن گفته و مدعی شده که می‌تواند از طریق آن بدهی خود را تسویه کند؛ ادعایی که بانک مرکزی آن را فاقد اعتبار کارشناسی دانسته است. او همچنین بارها تهدید کرده که اگر مسئولان رفتار مناسبی نداشته باشند، اسناد و پشت‌پرده‌های همکاری‌های نفتی را افشا خواهد کرد. این رفتارها بیش از آنکه یک دعای فردی باشد، بازتابی از منطق «مافیاهای قدرت» است؛ جایی که افشاگری به ابزار چانه‌زنی بدل می‌شود.

جالب اینکه یک خیرگزاری جزئیات جدیدی از بدهی‌های بابک زنجانی به وزارت نفت و بانک مرکزی فاش کرد. یک مقام مسئول به ای خیرگزاری گفته است: علیرغم عدم تسویه بدهی‌های بابک زنجانی به دو طلبکار اصلی یعنی وزارت نفت و بانک مرکزی، باز هم در تکرار اشتباهات اواخر دهه ۸۰ در دولت دهم، وزارت نفت دوباره به بابک زنجانی نفت فروخت و زنجانی هم پول محموله‌های نفتی را هنوز بازگردانده‌است. به گفته وی، به دلیل عدم تسویه ارزی بابک زنجانی، حساب ارزی دو بانک خصوصی مسدود و یک بانک دولتی هم مختل شده است. اما نکته مبهم اینکه، با وجود اعلام و تأکید بانک مرکزی مبنی بر اینکه رمز ارز شخصی زنجانی معتبر نیست، وزارت نفت و شرکت بازرگانی نفت(نیکو) نسبت به دریافت رمز ارز فاقد اعتبار وی معاد ۳۰۰ میلیون دلار به عنوان وثیقه اقدام کرده است.

پرونده زنجانی امروز میان سه روایت متفاوت دست‌به‌دست می‌شود:

- روایت قضایی: قوه قضائیه حکم اعدام او را صادر کرده اما اجرای آن را به بازپرداخت بدهی مشروط کرده است.

- روایت شرکت نفت و بانک مرکزی: زنجانی همچنان بدهکار است و تنها بخش بسیار اندکی از بدهی تسویه شده است.

- روایت زنجانی: او خود را نه بدهکار بلکه طلبکار معرفی می‌کند و مدعی است اموالش بیش از حد لازم مصادره شده است.

این تضاد روایت‌ها، فضای رسانه‌ای را ملتهب و افکار عمومی را سردرگم ساخته و به‌خوبی نشان می‌دهد که

شفاف‌سازی در حوزه صادرات نفت، ورق برای زنجانی برگشت. شرکت ملی نفت ایران اعلام کرد که او بیش از ۲ میلیارد یورو بدهی پرداخت‌نشده دارد. دادگاه ویژه مفاسد اقتصادی تشکیل شد و زنجانی پس از محاکمه‌ای جنجالی و طولانی در نهایت به اتهام اخلا در نظام اقتصادی، فساد فی‌الارض و پولشویی به اعدام محکوم شد. با این حال، اجرای حکم به دلیل امیدواری به بازپرداخت بدهی‌ها ملق ماند. دولت روحانی تلاش داشت با بازگرداندن اموال و دارایی‌های زنجانی، بخش بزرگی از بدهی نفتی را تسویه کند، اما روند کار پیچیده و پرحاشیه شد. همین تغییر جایگاه، بازتابی از همان واقعیت تلخ سیاست در ایران است؛ جایی که برخی افراد در یک دوره با حمایت های غیر قابل توجیه به قهرمان بدل می‌شوند و در دوره بعد در جایگاه متهم مورد مواخذه قرار می‌گیرند

اگرچه حکم اعدام برای زنجانی صادر شد، اما به دلیل «اهمیت بازپرداخت بدهی‌ها»، اجرای آن به تعویق افتاد. مسئولان قضایی بارها تأکید کردند که اگر او بدهی‌هایش را بازگرداند، امکان تجدیدنظر در حکم وجود دارد. همین وضعیت مبهم، پرونده زنجانی را به یکی از طولانی‌ترین و بحث‌برانگیزترین پرونده‌های تاریخ قضایی کشور بدل کرده است. امروز، بانک مرکزی می‌گوید که زنجانی تنها معادل ۱۵ میلیون دلار از بدهی حدود ۱.۹۶۷ میلیارد یورویی خود را پرداخت کرده و همچنان بخش اعظم طلب ملت ایران بلاتکلیف مانده است. این بلاتکلیفی خود نشانه‌ای است از نبود شفافیت نهادی و سازوکارهایی که در عمل به بازتولید رانت و فساد کمک می‌کند.

سه روایت متضاد: معمای بابک زنجانی

اخیراً خبر توقیف ۱۳ کیلوگرم شمش طلا در فرودگاه امام خمینی، بار دیگر نام زنجانی را به صدر خبرها آورد. او مدعی بود این طلاها برای کمک به بازار داخلی و عرضه با قیمت واقعی وارد کشور شده است. اما گمرک اعلام کرد که این محموله به‌دلیل عدم انطباق با استانداردهای وزنی (هر شمش باید حداقل یک کیلوگرم باشد) توقیف افتاد؛ شخصی که با بهره‌گیری از خلأهای قانونی و فشار داشت بلکه به جنگ رسانه‌ای میان زنجانی، بانک مرکزی و گمرک نیز دامن زد و دوباره نشان داد که نبود هماهنگی نهادی و تضاد منافع در ساختار حکمرانی اقتصادی، چگونه می‌تواند هر اقدام را به بحرانی تازه بدل کند.

زنجانی در سال‌های اخیر کوشیده است با روایت‌های ناپب رئیس مجلس دهم، تأکید کرد: دشمنان برای اینکه بتوانند حمله مجددی به خاک ایران انجام دهند، در وهله اول باید اتحاد ملی را در داخل کشور از بین برده و تفرقه در درون کشور ایجاد کنند و این تفرقه طبعاً در روحیه و اراده نیروهای مسلح اثر خواهد گذاشت.

علی مطهری در گفت‌وگو با ایسا، با اشاره به ضرورت اتحاد ملت، مسئولان و نیروهای مسلح در مقابل تلاش های دشمن برای اختلاف افکنی، بیان کرد: یکی از عوامل شکست دشمن در جنگ ۱۲ روزه، اتحاد ملی مردم ایران بود. اکنون نیز یکی از عوامل بازدارنده حمله مجدد رژیم صهیونیستی به ایران، اتحاد ملی است. به عبارت دیگر اتحاد ملی در کنار آمادگی و قدرت نیروهای مسلح ،

پرونده بابک زنجانی آینده‌ای است تمام‌نما از پیچیدگی اقتصاد سیاسی ایران در عصر تحریم. او در یک مقطع تاریخی نقش قهرمان غیررسمی را ایفا کرد، سپس به نماد فساد بدل شد و اکنون در جایگاه یک ابردهکار بانکی و متهم جنجالی ایستاده است. آنچه این پرونده را متمایز می‌کند، نه بدهی و فعالیت های اوست، بلکه تلافی روایت‌های متناقض، ابهام‌های حقوقی و تلاش‌های باندی قدرت است.

به گزارش نور نیوز بابک زنجانی، نامی که از اواخر دولت محمود احمدی‌نژاد بر سر زبان‌ها افتاد و تا امروز همچنان در صدر خبرها باقی مانده است، نمونه‌ای منحصربه‌فرد از پدیده‌های اقتصادی-سیاسی ایران معاصر است. او در برهه‌ای از تحریم‌های سنگین نفتی به‌عنوان بازوی غیررسمی برای فروش نفت معرفی شد، سپس در دولت حسن روحانی به بزرگ‌ترین بدهکار نفتی کشور بدل شد و سرانجام با حکم اعدام روبه‌رو گشت. اما امروز، سال‌ها پس از صدور آن حکم، او همچنان در متن ماجرا حضور دارد؛ گاه با ادعای تسویه بدهی، گاه با معرفی رمز ارز اختصاصی و گاه با توقیف محموله طلا در گمرک. پرونده زنجانی دیگر صرفاً یک دعای مالی نیست؛ روایتی چندوجهی است از ساختار قدرت، اقتصاد و مناسبات سیاسی در ایران که از دل ضعف‌های نظارتی وساختارهای معیوب اقتصادی و چه بسا مافیای پنهان صاحبان ثروت و قدرت سر برآورده است.

از کارگزار غیررسمی دولت تا اتاق انتظار اعدام

بابک زنجانی در سال‌های پایانی دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ خورشیدی، در دوران تشدید تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، به‌سرعت از یک فعال اقتصادی گمنام به یکی از چهره‌های اصلی بازار نفت و ارز بدل شد. گفته می‌شود که او از طریق شبکه‌ای پیچیده از صرافی‌ها، شرکت‌های پوششی و روابط خارجی توانست میلیاردها دلار نفت ایران را بفروشد. در همین سال‌ها بود که نام او به‌عنوان «کارگزار غیررسمی دولت» بر سر زبان‌ها افتاد؛ شخصی که با بهره‌گیری از خلأهای قانونی و فشار تحریم‌ها، تبدیل به بازیگر اصلی نقل‌وانتقال مالی کشور شد. اینکه چگونه یک فرد توانست بدون نظارت کافی و تنها با تکیه بر حمایت‌های سیاسی چنین جایگاهی پیدا کند، خود جای اما و اگرهایی بسیار زیادی دارد .

با روی کار آمدن دولت حسن روحانی و تلاش برای



ظریف:

فعال سازی مکانیسم ماشه اقدامی بی اساس است

وزیر امور خارجه پیشین جمهوری اسلامی ایران اقدام سه کشور اروپایی را در فعال سازی ماشه بی‌اساس است و گفت، ایران حتی یک سال پس از خروج دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا از برجام، به طور کامل به آن پایبند بود و اروپایی‌ها بودند که در اجرای تعهدات خود کوتاهی کردند. به گزارش ایرنا، جواد ظریف در مصاحبه با تارنمای فارن پالیسی در خصوص اقدام سه کشور اروپایی در فعال کردن مکانیسم موسوم به ماشه یا اسنپ بک اظهار داشت: نباید سیاست داخلی و خارجی را با هم قاطی نکنیم. فکر می‌کنم کاری که سه کشور اروپایی (E۳) سعی در انجام آن دارند، اول از همه بی‌اساس است، زیرا ایران حتی یک سال پس از خروج دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا از برجام، به طور کامل به آن پایبند بود. وی ادامه داد: اروپا در اجرای تعهدات خود کوتاهی کرد. پس از خروج ترامپ از برجام، اروپایی‌ها از ما خواستند در برجام بمانیم. آنها در دو جلسه، در ژوئن و سپتامبر ۲۰۱۸، ۱۱ تعهد به من دادند. آنها حتی نتوانستند یکی از این تعهدات را اجرا کنند. آنها تصمیم گرفتند یک توافق باستانی قرن نوزدهمی با ایران ایجاد کنند. آنها حتی نتوانستند این کار را انجام دهند. ظرفی تأکید کرد: اکنون نمی‌دانم کشورهای اروپایی چه جسامتی دارند که بخواهند از مکانیسم حل اختلاف استفاده کنند. در برجام با شورای امنیت سازمان ملل به آن اسنپ‌بک نمی‌گویند. به آن مکانیسم حل اختلاف می‌گویند. ایران در زمانی که من وزیر امور خارجه بودم، بارها به مکانیسم حل اختلاف متوسل شد. ما کل این فرآیند را طی کردیم. اروپایی‌ها قول دادند که برخی تعهدات خود را اجرا کنند، چه برسد به تعهدات آمریکا و آنها شکست خوردند. به همین دلیل است که ما اقدامات جبرانی انجام دادیم. از نظر قانونی، آنها نمی‌توانند در مقابل روش‌های جبرانی ایران اقدامات جبرانی انجام دهند. وزیر امور خارجه پیشین جمهوری اسلامی ایران با انتقاد از دو رویی کشورهای اروپایی و آمریکا در خصوص برجام اعلام کرد: زمان بندی این موضوع هم جالب است، چون چند هفته پیش، اروپایی‌ها اساساً نقض قوانین بین‌المللی توسط اسرائیل در حمله به سایت‌های ایرانی را تحسین می‌کردند. صدراعظم آلمان گفت که اسرائیل «کار کثیفی برای همه ما» انجام می‌دهد. پس از کدام گزینه حرف می‌زنند؟ آنها از جنگ استفاده می‌کنند و سپس از دیپلماسی و سپس از سازوکارهایی برای حل اختلافات استفاده می‌کنند. این نشان دهنده عدم حسن نیت است، ظرفی با بیان اینکه خروج ترامپ از برجام، آمریکا، اروپا و جهان را امن‌تر نکرده است، افزود: آنها سعی می‌کنند از اسرائیل حمایت کنند. برخی از آنها، از جمله سه کشور اروپایی که سعی در استفاده از این مکانیسم دارند، حتی تا آخر پیش رفتند که استفاده از این مکانیسم را دفاع از خود نامیدند. آنها باید به طراحی سیاست‌های خود برگردند و ببینند این کار چه دستاوردی برایشان به ارمغان می‌آورد. وزیر امور خارجه پیشین جمهوری اسلامی ایران درمورد دفاع مقدس ۱۲ روزه ایران اظهار داشت: جنگ ۱۲ روزه تنها دو روز قبل از زمانی که قرار بود دوستان من در وزارت امور خارجه برای دور جدیدی از مذاکرات با هم‌تایان آمریکایی خود بروند، رخ داد. این جنگ در ایران تصویری ایجاد کرد که مذاکرات برای آمریکا فقط بهانه‌ای برای حمله است، که بسیار مخرب است. من به دیپلماسی اعتقاد دارم. این برای دیپلماسی به طور کلی بسیار مخرب بود. وی افزود: این یک حمله از پیش برنامه‌ریزی شده بود، نه تنها علیه اهداف نظامی و هسته‌ای، بلکه علیه غیرنظامیان بی‌گناه. بسیاری از غیرنظامیان بی‌گناه کشته شدند. رهبران نظامی در دفاتر خود یا در جبهه جنگ هدف قرار نگرفتند، بلکه در خانه، زمانی که با خانواده خود حضور داشتند، هدف قرار گرفتند. طبق قوانین بین‌المللی، این یک جنایت جنگی است. دانشمندان هسته‌ای و همچنین سایر دانشمندان، این که دلیل دانشمند بودنشان به قتل رسیدند. این یک سابقه بسیار خطرناک است. وی تصریح کرد: تهدید وجودی برای اسرائیل، صلح است. به همین دلیل است که اسرائیل به برجام اعتراض کرد. برجامی که من آن را مذاکره کردم، می‌توانست مطمئن و قابل تأیید باشد که ایران بمب هسته‌ای تولید نمی‌کند. چرا اسرائیل به آن اعتراض کرد؟ زیرا باعث ایجاد آرامش در همسایه ما شد. ظریف با اشاره به تلاش‌های ترامپ برای دریافت جایزه صلح نوبل گفت: بمباران ایران مطمئناً راهی برای رئیس جمهور صلح بودن نبود و بمباران ایران درست در میان مذاکرات فرستاده آمریکا انجام شد! از این پس چه کسی به آمریکا اعتماد خواهد کرد؟ از این پس چه کسی سعی خواهد کرد با آمریکا مذاکره کند؟ به خاطر کاری که ترامپ انجام داد، من به سختی می‌توانم مردم ایران را متقاعد کنم که دیپلماسی ارزش امتحان کردن را دارد.